Supreme National Defense University Quarterly Journal of Strategic Management Research in National Defense

https://issk.sndu.ac.ir E-ISSN: 2980-8219

Vol. 10, No. 2, Issue. 38, Summer 2026 **Received:** 2025/02/10 **Accepted:** 2025/11/08

Research paper

A Comparative Study of the Principles Governing Welfare Policies: An Examination of the Corresponding Outcomes Based on the Legatum Prosperity Index in Iran, Turkey, and Denmark

Mohammad Reza Hosseini
PhD Student in Public Administration, University of Tehran, Tehran, Iran.
Ali Tayyebi Rahni
Assistant Professor, Department of Public Administration, Islamic Azad University, North Tehran Branch, Tehran, Iran (Corresponding Author).
Email: alitayyabirahani@gmail.com

Abstract

The welfare status of countries worldwide is an important and significant underlying factor influencing the extent to which development and predetermined objectives are achieved across various domains. Accordingly, the level of welfare in any country can have substantial and meaningful effects on its current and future social, economic, political, and even cultural relations, cohesion, and interactions. Therefore, the present study compares the welfare status of the selected countries from the perspective of public policymaking. Turkey was selected for comparison because of its geographical proximity to Iran, its recent development and progress among Islamic countries, and the long-standing competitive relationship between the two countries. Furthermore, given the importance of benchmarking against leading countries in any field, Denmark, ranked as the most prosperous country in the Legatum Prosperity Index, was also selected alongside Turkey as a comparative case. This study employed a comparative research approach, taking into account differences in the policies articulated in the countries' high-level policy documents as well as the results of national prosperity measurements reported by the Legatum Institute in 2023. The Legatum Prosperity Index assesses prosperity across twelve pillars. According to the results presented in the study, Iran ranked 123rd in terms of overall prosperity, whereas Turkey ranked 93rd and Denmark ranked first. The findings suggest that differences among the public policymaking systems reflected in the high-level policy documents of these three countries may have significant implications for favorable or unfavorable welfare outcomes in their respective societies. Therefore, considering the prolonged sanctions imposed over the past several decades, it is essential for Iran to draw lessons from previous experiences and adopt timely and effective measures at different levels of the national policymaking system.

Keywords: Public Policy; Turkey; Iran; Denmark; Welfare; Legatum Prosperity Index

فصلنامه مطالعات مدیریت راهبردی دفاع ملی
سال دهم، شماره دوم (پیاپی ۳۸)، تابستان ۱۴۰۵، صص. ۱۵۳-۱۹۲
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۲۲ ـ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۸/۱۷

مقاله پژوهشی

مطالعه تطبیقی اصول حاکم بر خط‌مشی‌های رفاه؛ بررسی نتایج مربوطه براساس شاخص رفاه لگاتوم در کشورهای ایران، ترکیه و دانمارک

محمدرضا حسینی
دانشجوی دکتری مدیریت دولتی دانشگاه تهران، تهران، ایران
علی طیبی رهنی
استادیار گروه مدیریت دولتی دانشگاه آزاد اسلامی تهران-شمال، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
Email: alitayyabirahani@gmail.com

چکیده

وضعیت رفاه کشورهای جهان، به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های زیربنایی در میزان پیشرفت و تحقق اهداف از پیش تعیین‌شده، در حوزه‌های مختلف، مهم و قابل‌توجه است. از این رهگذر شرایط رفاه هر کشوری، با درجه و شدتِ معناداری بر روی همه مناسبات، انسجام و ارتباطات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و حتی فرهنگیِ حال و آینده مؤثر خواهد بود؛ بنابراین در این پژوهش، مقایسه وضعیت رفاه بین کشورهای هدف، از دریچه خط‌مشی‌گذاری عمومی، مورد توجه قرار گرفته است. در این راستا کشور ترکیه، با توجه به همسایگی با ایران و روند رو به رشد و پیشرفت‌های اخیر در بین کشورهای اسلامی و سابقه دیرینه رقابتی، مورد توجه قرار گرفته است. همچنین با توجه به لزوم مقایسه با بهترین‌ها در هر حوزه، کشور دانمارک به‌عنوان بهترین کشورِ مرفه در شاخص لگاتوم، علاوه بر کشور ترکیه، به‌عنوان نمونه‌های مطالعه انتخاب شده و مورد توجه قرار گرفته است. این پژوهش با استفاده از روش مطالعه تطبیقی و با توجه به تفاوت‌های موجود در خط‌مشی‌های مندرج در اسناد بالادستیِ کشورها و همچنین مبتنی بر نتایج اندازه‌گیری داده‌های مربوط به رفاه کشورها که در سال ۲۰۲۳ توسط مؤسسه رفاه لگاتوم گزارش شده است، انجام گرفته است. شاخصِ رفاه مؤسسه لگاتوم، در قالب دوازده سنجه، پایش و اندازه‌گیری شده است. نتایج اندازه‌گیری‌های انجام شده شاخصِ رفاه، مؤید این مطلب است که کشور به لحاظ شاخص رفاه در جایگاه ۱۲۳ قرار گرفته است و این در حالی است که کشور ترکیه از این نظر در رتبه ۹۳ و کشور دانمارک در رتبه اول این فهرست جای گرفته است. درنتیجه تفاوت‌های موجودِ نظام خط‌مشی‌گذاری عمومی که در اسناد بالادستی این سه کشور، به‌طور معناداری دربردارنده پیامدهای رفاهی مطلوب یا نامطلوب برای جوامع هدف خواهد بود؛ بنابراین ضروری است با توجه به شرایط تحریمی طولانی‌مدت چند دهه گذشته، ضمن درس‌آموزی از تجربیات گذشته، تدبیر و اقدامی عاجل در سطوح مختلفِ نظام خط‌مشی‌گذاری ملی صورت پذیرد.

کلیدواژه‌ها: خط‌مشی، ترکیه، ایران، دانمارک، رفاه، شاخص رفاه لگاتوم

صحت مطالب بر عهده نویسنده مقاله است و بیانگر دیدگاه دانشگاه عالی دفاع ملی نیست.

مقدمه

بدون شک اداره دولت، یکی از دشوارترین و خطیرترین اموری است که ممکن است بشر با آن مواجه شود؛ مسئولیت این کار بسیار سنگین و طاقت‌فرسا است و پیامدهای هر اقدام در چهارچوب آن ممکن است شکننده و جبران‌ناپذیر باشد؛ ولی گزیری از آن نیست؛ دولت‌ها باید اداره شوند و حکومت‌ها باید هدایت شوند تا حتی‌المقدور بیشترین فواید را عاید ملت‌ها سازند و منافع ملی را بیشینه کنند (پورعزت،۱۴۰۰: ۲۳).

از یک‌سو در بیان اهمیت خط‌مشی رفاه در کشورها می‌توان گفت که عموماً همه دولت‌ها در کشورهای مختلف مسئولیت تأمین خدمات و فراهم ساختن شرایط ایجاد رفاه در جامعه متبوع را بر عهده می‌گیرند و ازاین‌رو خود را ملزم به امور نهادسازی، سیاست‌گذاری وضع قوانین و مقررات، خلق منابع مالی جدید و ایجاد زمینه‌ها و شرایط رشد و تحول اقتصادی در جهت نیل به عدالت و برابری در جامعه می‌کنند. در برخی از دولت‌ها که اصطلاحاً دولت‌های رفاهی به شمار می‌آیند وظیفه سازمان‌دِهی کمک‌های اجتماعی و اجرای برنامه‌های تأمین اجتماعی به این مجموعه وظایف افزوده می‌شود. درواقع در دولت‌های رفاه، کمک‌های اجتماعی را به سالمندان، کودکانِ والدین ازدست‌داده، معلولان و نیز حمایت از اقشار آسیب‌دیده و آسیب‌پذیر، مددکاری اجتماعی و هزینه‌های درمان و مراقبت‌های پزشکی رایگان به نیازمندان صورت می‌گیرد. به سخن دیگر، سیاست تأمین اجتماعی در چنین دولت‌هایی بسیار گسترده‌تر از سایر دولت‌هایی است که رفاه اجتماعی و رفاه فردی در آن‌ها مورد توجه است؛ بنابراین می‌توان گفت به‌طورکلی تأمین اجتماعی ازیک‌طرف در همه کشورها، به‌ویژه در دولت‌های رفاه، دلالت بر کمک‌هایی در قالب سیاست‌های اجتماعی و برنامه‌هایی می‌کند که با پرداخت پول، خدمات، بیمه‌های اجتماعی، تأمین خدمات درمانی رایگان یا کم‌هزینه در مواقع بیکاری، پیری، بیماری، از کارافتادگی، بحران‌های خاص اقتصادی، اجتماعی و ... انجام می‌شود (طاهری و حسین زاده،۱۳۹۸).

از سوی دیگر در بیان ضرورت خط‌مشی رفاه در کشورها می‌توان گفت که خط‌مشی‌گذاری به‌صورت یک چرخه، فرایندی شامل چندین فعالیت و مرحله است. بدیهی

است این مراحل به‌طور مکانیکی و جدا از هم طی نمی‌شود بلکه به‌صورت فرایندی پویا و دارای ارتباط چندسویه با هم شکل می‌گیرد (فقانی و همکاران، ۱۳۹۹؛ به نقل از الوانی و همکاران، ۱۳۹۰).

اجرای خط‌مشی در مفهوم کلی به معنای اجرای قانون است که در آن بازیگران، سازمان‌ها، رویه‌ها و روش‌های متفاوت درهم‌می‌آمیزد تا با تلاش، اهداف یک برنامه یا خط‌مشی پیشنهادی را به نتیجه مطلوب و مثبت برسانند (فقانی و همکاران، ۱۳۹۹؛ به نقل از لستر و همکاران، ۱۳۹۱).

درواقع، رفاه اجتماعی در جامعه بر این فرض استوار است که دولت صلاحیت برقراری رفاه را دارد. از این روی، هر دولتی (مدرن) با چنین دخالتی می‌تواند بخشی از این مسئولیت را داشته باشد. از طرف دیگر این نکته مورد توجه است که رفاه، یک مفهوم چندبُعدی است و نمی‌توان آن را با شاخص تولید ناخالص ملی سنجید؛ زیرا به عواملی چون وضعیت اجتماعی، امنیت، سلامت، آموزش و روابط میان شهروندان و نهادهای اجتماعی به‌شدت وابسته است. برعکس، شاخص ترکیبی رفاه بر رشد و پیشرفت جامعه مؤثر است. به همین دلیل، همه کشورها درصدد هستند تا آن دسته از سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی را تدارک ببینند که به بهبود رفاه اجتماعی می‌انجامد (طاهری و حسین زاده، ۱۳۹۸؛ به نقل از کِن، ۲۰۱۳)؛ بنابراین هدف از این تحقیق با توجه به ماهیت آن، تدارک سیاست‌های اقتصادی، اجتماعی و ... است که به بهبود رفاه اجتماعی در جمهوری اسلامی ایران می‌انجامد به این منظور به جهت جبران خلل و رخنه و برای مرتفع کردن آن، می‌بایست، اقدام به تولید این تحقیق تطبیقی، براساس شاخص رفاه لگاتوم پرداخته شود.

۱. پیشینهٔ پژوهش

در سال‌های اخیر با رشد و توسعه جامعه مدنی و نقش روزافزون انسان‌ها در دستیابی به برخی از مظاهر پیشرفت و تمدن، مسئله رفاه فردی و اجتماعی تبدیل به یکی از مسائل مهم جامعه شناسان، اقتصاددانان و سایر علمای علوم مختلف از یک‌سو و دولت‌ها از سوی دیگر

شده است. ازاین‌رو، رفاه به مفهوم کلان آن می‌تواند نتیجه تلاش‌های ملی یک جامعه باشد که معمولاً با سیاست‌گذاری و اجرای برنامه‌های اجتماعی و اقتصادی حاصل می‌شود و به‌تبع، سیاست‌گذاران و رهبران در مسئولیت‌های اجرایی و رهبری آن جامعه نقش بسزایی پیدا می‌کنند. به‌علاوه رفاه، بیانگر سطح سلامت و کیفیت زندگی یک جامعه است. به همین دلیل، کشورهای مختلف با استفاده از تجارب کشورها و با درک نیازهای خود سعی کرده‌اند بر عقب‌ماندگی‌های اقتصادی و اجتماعی با استفاده از فناوری‌های نوین، خلق ابزارهای جدید و با برآوردن استعدادهای جدید و نیز ظهور امکانات بیشتر فائق آیند و از این روی، شرایط مطلوب‌تری را مهیا سازند (طاهری و حسین زاده،۱۳۹۸).

هر تغییری در سیاست اجتماعی وسیع‌ترین اقشار جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد و مشروعیت دولت‌ها تا حد زیادی به سیاست‌های رفاهی گره‌خورده است. در کشور ما با وجود پشتوانه‌های قانونی قوی برای سیاست‌گذاری رفاه اجتماعی کارآمد، شاهد عدم تحقق مطلوبات مورد نظر قوانین موجود در این راستا بوده‌ایم. از قانون اساسی به‌عنوان قانون مادر تا قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی و سایر قوانین، بر لزوم تحقق ابعاد مختلف رفاه اجتماعی در کشور تصریح شده اما در شرایط فعلی، بین آرمان‌های موجود در قوانین و وضعیت موجود، فاصله وجود دارد (فقانی و همکاران،۱۳۹۹).

حکمرانی به چیزی بیش از یک دولت نیازمند است و سایر بازیگران نیز در بهبود کیفیت زندگی و رفاه گروه‌های مختلف ذی‌نفعان تأثیر گذارند. ارکان سه‌گانه حکمرانی شامل موارد زیراست:

۱. بُعد اقتصادی، شامل فرایندهایی است که فعالیت‌های یک کشور را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛
۲. بُعد سیاسی، همان فرایندهای تصمیم‌گیری برای تنظیم سیاست‌ها است؛
۳. بُعد اداری، نظام اجرای خط‌مشی‌ها است (بدیعیِ ازنداهی و همکاران، ۱۳۹۸).

نتایج پژوهشی در سال ۱۳۹۱ نشان می‌دهد که بهبود مؤلفه‌های حکمرانی خوب، منجر به ارتقای رفاه ملی می‌شود، در ضمن آنکه ارتقای حکمرانی خوب، زمینه ارتقای رفاه را از

جهت‌های کمی نظیر تولید ناخالص داخلی، آموزش، پژوهش، بهداشت و ... از یک طرف و از جنبه‌های کیفی نظیر خوشبختی فراهم می‌کند؛ به عبارت دیگر ارتقای حکمرانی خوب پیامدهای دومنظوره‌ای نظیر بهبود شاخص‌های کمی همچون تولید ملی و تقویت شاخص‌های کیفی نظیر کاهش هزینه‌های اجتماعی، رشد اقتصادی، حفظ منابع برای آیندگان و تداوم رشد را به‌همراه دارد (دانایی فر و همکاران،۱۳۹۱).

براساس نتایج پژوهش با عنوان ارائه و تدوین شاخص‌های رفاه خانواده به‌منظور دستیابی به الگو رفاه خانواده در ایران که در سال ۱۳۹۳ توسط عرشی و اقلیما انجام شد، ۵ شاخص یا ویژگی ضروری برای رفاه خانواده در ایران از نظر صاحب‌نظران و متخصصین عبارت است از: اختصاص فصلی از برنامه توسعه به سیاست رفاه خانواده، نسبت خانواده‌های استفاده‌کننده از بیمه‌های درمانی پایه به کل خانواده‌ها، قانون آموزش رایگان تا پایان دوره متوسطه، نسبت کودکان استفاده‌کننده از آموزش رایگان تا پایان دوره متوسطه به کل کودکان در این سن آموزش، نسبت خانواده‌های زیرخط فقر به کل خانواده‌ها. لازم به ذکر است سیاست رفاه خانواده در ایران نیاز به فصل و برنامه جداگانه از دیگر برنامه‌های اجتماعی و رفاه دارد. آموزش رایگان برای کودکان و بهره کودکان از این آموزش و توجه به نیازهای اساسی اقتصادی، فقر خانواده و بیمه‌های درمانی پایه نیز باید جز سیاست‌گذاری کلان قرار گیرد (عرشی و اقلیما، ۱۳۹۳).

براساس نتایج تحقیق با عنوان، تحلیل وضعیت رفاه در ایران براساس شاخص‌های استاندارد جهانی که در سال ۱۳۹۸ توسط طاهری و حسین‌زاده انجام شد، با توجه به چالش‌های جهان در دستیابی به رتبه‌های بالاتر رفاه و نقش بحران‌ها، منازعات منطقه‌ای از یک طرف و رونق اقتصادی و تجاری در کشورها از طرف دیگر، توجه کرده است. برای ارائه، تصویری از جایگاه جمهوری اسلامی ایران در منطقه منا (خاورمیانه و آفریقا) و در میان کشورهای اسلامی وضع شاخص‌های رفاه آن را با این دو گروه از کشورها مقایسه کرده است. نتایج حاصل از این بررسی حاکی از این است که جمهوری اسلامی ایران به‌رغم تلاش‌های فراوان طی چند دهه گذشته هنوز نتوانسته نه‌تنها در کل کشورهای جهان بلکه در

میان کشورهای منطقه ما و حتی در کشورهای اسلامی جایگاه درخور توجهی را به‌دست آورد (طاهری و حسین‌زاده، ۱۳۹۸).

براساس نتایج پژوهش با عنوان حکمرانی و توسعه اقتصاد در ایران که در سال ۱۳۹۸ توسط مکرمی‌پور و همکاران انجام شد، نشان می‌دهد که بهبود شاخص‌های حکمرانی مستقل از موقعیت جغرافیایی می‌تواند اثرات معناداری بر ارتقای شاخص‌های توسعه و بنابراین افزایش رفاه اجتماعی داشته باشد؛ اما با بررسی مطالعات انجام گرفته می‌توان گفت که با توجه به نوع حکمرانی حاکم بر ایران، فرایند توسعهٔ اقتصادی ایران در دوره‌های مختلف زمانی بعد از انقلاب، شرایط متفاوتی را سپری کرده است و در هر دوره‌ای هریک از شاخص‌های حکمرانی وضعیت متفاوتی را سپری کرده‌اند (مکرمی‌پور و همکاران، ۱۳۹۸).

همچنین براساس نتایج پژوهش با موضوع، مسئله‌شناسی و راهبردهای اجرای خط‌مشی‌های رفاه اجتماعی که در سال ۱۳۹۹ توسط فقانی و همکاران انجام شده است، حاکی از آن است که مهم‌ترین مسئله در اجرای خط‌مشی‌های رفاهی، نبود متولی پرقدرت و محوری در نظام سیاست‌گذاری رفاهی است که این امر با ادغام وزارت رفاه مضاعف شد. ایجاد نظام نظارتی و ارزیابی بر اجرای خط‌مشی‌های رفاهی با استفاده از ظرفیت شورای عالی رفاه و تأمین اجتماعی و بهره‌گیری از پایگاه اطلاعات رفاهی منسجم می‌تواند تا حد زیادی امکان خروج از وضعیت نامطلوب فعلی را فراهم آورد (فقانی و همکاران، ۱۳۹۹).

دِآگویار و دِسوزا فِریِره (۲۰۱۷) موضوع تغییرات در شیوه‌های حکمرانی در بخش نفت برزیل را دریک دوره ۶۰ ساله مورد بحث قرار می‌دهند. نتایج نشان می‌دهد که تغییرات در شیوه‌های حکمرانی ناشی از مقررات بوده و عمدتاً با تغییر در هر دو عاملِ بازیگران و ویژگی‌های نهادی، مرتبط است، اما دلیل اصلی اولویت‌بندی نتایج اقتصادی بی‌تأثیر باقی‌مانده است. این مقاله تأکید می‌کند که یک شیوه حکمرانی که رسیدن به توسعه‌های پایدار را دنبال می‌کند، باید ترویج شود و در این راستا باید تعاملات تعداد زیادی از بازیگران را تقویت کند و ممکن است نیاز به مشارکت فعال پتروبراس برای تشویق به حمایت از بهبود در حوزه‌های اجتماعی و محیطی ضروری باشد.

و در نهایت رسولی منش و همکاران در سال ۲۰۱۹ پژوهشی انجام دادند که هدف از آن مطالعه، بررسی اثرات حکومت بر محورهای اصلی «توسعهٔ پایدار شهری»[1] شامل: توسعهٔ اجتماعی و گنجایش، توسعهٔ اقتصادی و حفاظت از محیط‌زیست است. یافته‌ها تأثیرات منفی حکومت بر توسعهٔ اجتماعی و مؤلفه‌های توسعهٔ اقتصادی اصلی توسعهٔ پایدار شهری را نشان می‌دهد. علاوه بر این، نتایج این مطالعه نشان‌دهنده تأثیر مثبت حاکمیت بر حفاظت از محیط‌زیست مشهود خواهد بود (رسولی منش و همکاران،۲۰۱۹).

۲. مبانی نظری

۲-۱. معرفی شاخص رفاه مؤسسه لگاتوم

با جهانی‌شدن اقتصاد و گسترش پیوندهای روزافزون اقتصادی کشورها به یکدیگر، آماره‌ها، داده‌ها و شاخص‌های مقایسه‌ای بین کشورها اهمیتی بیش از پیش پیدا کرده‌اند. بر پایه همین داده‌ها و اطلاعات برخی از نهادها و مؤسسات علمی و پژوهشی در سطح جهانی درباره موضوعات مختلف چنین مقوله‌ای اقدام به گردآوری و انتشار داده‌ها و شاخص‌های مقایسه‌ای کرده‌اند. شاهد مثال این‌که در سال‌های اخیر، به‌وفور شاهد مراکز و مؤسسات مختلف فعال جهانی هستیم که در حوزه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، علمی و ... در تلاش‌اند که به‌صورت ادواری و سالانه مبادرت به ارائه گزارش‌های جهانی نمایند. یک نمونه آن در حوزه رفاه مؤسسه لگاتوم است که یک مؤسسه مستقل پژوهشی است که در کشور بریتانیا قرار دارد و مبادرت به مطالعه و سیاست‌گذاری در زمینهٔ رفاه در کشورهای جهان می‌کند. این مؤسسه هرساله با جمع‌آوری داده‌های لازم گزارشی را درباره شاخص رفاه کشورهای جهان منتشر می‌سازد. شاخصی که این مؤسسه در این زمینه ارائه می‌کند موسوم به شاخص «رفاه لگاتوم» است که به‌عنوان یکی از شاخص‌های جهانی تلقی می‌شود و تغییرات رشد و انگیزه‌های پیشرفت را در بلندمدت با هدفِ مشخص کردن کشورهایی که بیشترین گام را در جهت پیشرفتِ خود برای رفاه برداشته‌اند، نشان می‌دهد. این شاخص با مشخص کردن

1. SUD

نقشه راه کشورها در دستیابی به رفاه یا دور شدن از آن تلاش می‌کند تا به جهان نشان دهد، ملت‌ها با چه روش‌هایی می‌توانند از فقر به‌سوی رفاه سوق پیدا کنند (طاهری و حسین‌زاده، ۱۳۹۸)

شاخص رفاه لگاتوم، از شاخص‌های معتبر در سطح جهانی است که در بلندمدت، متغیرهای رشد و پیشران‌های توسعه را برای مشخص کردن کشورهایی که بلندترین گام‌هایی را برای تبدیل ثروت کشور به رفاه شهروندان برداشتند، نشان می‌دهد. این شاخص، نماگر کلیدی معتبری برای سنجش کیفیت زندگی افراد جامعه است. براساس این شاخص، همان‌گونه که کشورها از اقتصاد تولید مبنا به سمت اقتصاد خلاقیت مبنا و نوآوری مبنا حرکت می‌کنند، باید با تقویت تولید و صنعت، خلق فرصت شغلی و برانگیختن سرمایه‌گذاری، الزامات رشد اقتصادی خود را فراهم آورند (پورعزت و همکاران، ۱۴۰۰: ۷۶).

این شاخص، عملکرد هر کشور را در قالب سه دامنه «جوامع فراگیر»[1]، «اقتصادهای باز»[2] و «انسان‌های توانمند»[3] تحلیل می‌کند. این دامنه‌ها ۱۲ زیرشاخص را پوشش می‌دهند که در برگیرندهٔ ۶۵ نماگر هستند و این نماگرها خود با ۲۹۴ سنجه اندازه‌گیری می‌شوند. در ادامه سه دامنه و زیرشاخص‌های هرکدام معرفی می‌شوند.

جوامع فراگیر: که وضعیت نهادهای سیاسی و اجتماعی رسمی و غیررسمی را نشان می‌دهد. این زیرشاخص‌ها عبارت‌اند از: ایمنی و امنیت، آزادی فردی، حکمرانی، سرمایهٔ اجتماعی.

اقتصادهای باز: که جنبه‌های کلیدی اقتصاد را بازنمایی می‌کنند. این زیرشاخص‌ها عبارت‌اند از: محیط سرمایه‌گذاری، شرایط کسب‌وکار، دسترسی به بازار و زیرساخت‌ها، کیفیت اقتصادی.

انسان‌های توانمند: که رفاه اجتماعی افراد را اندازه‌گیری می‌کند. این زیرشاخص‌ها عبارت‌اند از: شرایط زندگی، سلامتی، آموزش، محیط طبیعی (رنانی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۴۱).

1. Inclusive Societies
2. Open Economies
3. Empowered People

زیرشاخص‌های رفاه لگاتوم از ترکیب چند خرده شاخصه مهم تشکیل شده است:

«کیفیت اقتصادی»[1]: که کشورها را براساس میزان باز بودن اقتصاد کلان، زیربناهای توسعه، فرصت‌های اقتصادی و کارایی مالی، رتبه‌بندی می‌کند.

«حکمرانی»[2]: که عملکرد کشور را از حیث اثربخشی حکمرانی، دموکراسی، مشارکت سیاسی و حاکمیت قانون می‌سنجد.

«آموزش‌وپرورش»[3]: که کشورها را از حیث میزان دسترسی به آموزش سرمایهٔ انسانی، رتبه‌بندی می‌کند.

«سلامت»[4]: که عملکرد کشور را از حیث تأمین الزامات سلامت جسمی و روانی، زیرساخت‌های سلامت و مراقبت‌های پیشگیرانه اندازه‌گیری می‌نماید.

«ایمنی و امنیت»[5]: که کشورها را از حیث امنیت ملی و امنیت شخصی (ایمنی) رتبه‌بندی می‌کند.

«آزادی فردی»[6]: که مراتب پیشرفت ملی هر کشور را در تأمین حقوق اولیه قانونی، آزادی‌های فردی و تحمل اجتماعی می‌سنجد.

«سرمایهٔ اجتماعی»[7]: که بر قدرت برقراری روابط شخصی، پشتیبانی از شبکه‌های اجتماعی، رعایت هنجارهای اجتماعی و مشارکت مدنی در هر کشور دلالت دارد.

«محیط‌زیست طبیعی»[8]: که عملکرد کشور را در زمینه‌های تأمین کیفیت محیط‌زیست، فشارهای محیطی و حراست از تلاش‌های توسعه زیست‌محیطی می‌سنجد (پورعزت و همکاران، ۱۴۰۰: ۷۶).

---

1. Economic Quality
2. Governance
3. Education
4. Health
5. Safety
6. Personal Freedom
7. Social Capital
8. Natural Environment

«شرایط زندگی»[1]: میزان تجربه کیفیت معقول زندگی، ازجمله منابع مادی، سرپناه، خدمات اساسی و ارتباطات را می‌سنجد می‌کند.

«محیط سرمایه‌گذاری»[2]: می‌سنجد که تا چه حد از سرمایه‌گذاری‌ها به‌اندازه کافی محافظت شده و به‌راحتی قابل دسترسی هستند.

«شرایط سازمانی»[3]: درجه‌ای که مقررات به کسب‌وکارها این امکان را می‌دهد که شروع کنند، رقابت کنند و گسترش دهند.

«زیرساخت و دسترسی به بازار»[4]: کیفیتِ زیرساختی را که تجارت را امکان‌پذیر می‌کند و انحرافات در بازار کالاها و خدمات را می‌سنجد (گزارش مبانی رفاه مؤسسه لگاتوم، ۲۰۲۳).

ملاحظه می‌شود که شاخص رفاه لگاتوم، ابعاد جامعی داشته، به توسعهٔ پایدار و تأمین الزامات رفاه و عدالت فرانسلی معطوف است (پورعزت و همکاران،۱۴۰۰: ۷۶).

۳. روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از نوع توصیفی با رویکرد تاریخی-تطبیقی است. تحقیق تاریخی-تطبیقی روش مناسبی است برای کسانی که علاقه‌مند به ردیابی و جست‌وجوی چگونگی شکل‌گیری، تداوم و تغییر ساختارهای اجتماعی در طول زمان و مقایسه فرایندهای شکل‌گیری این ساختارها هستند. ماکس وبر برای تحلیل زمینه‌هایی که نهادهای مذهبی، به‌جای شرایط اقتصادی به‌عنوان مبنایی برای رفتارهای اجتماعی مطرح شدند، از روش تاریخی-تطبیقی استفاده کرده است (دانایی‌فرد و همکاران، ۱۳۹۶) از سوی دیگر، پارادایم حاکم بر پژوهش اثبات‌گرایی است؛ زیرا در این پژوهش صرفاً وضعیت موجودِ رفاه و خط‌مشی‌های مرتبط با آن در کشورهایِ منتخب مورد مطالعه قرار گرفته است. جامعه مورد مطالعه عبارت است از سه کشور ایران، ترکیه و دانمارک که با توجه به تطبیقی بودن این پژوهش و این‌که رویکرد آن

1. Living Conditions
2. Investment Environment
3. Enterprise Conditions
4. Infrastructure and Market Access

توصیفی و از نوع مطالعهِ موردپژوهی است؛ بنابراین بدون آنکه نمونه‌گیری صورت گیرد کل جامعه مورد نظر، بررسی شد. راهبرد پژوهش، تحلیل محتوا با توجه به ماهیت تحقیق تطبیقی است و در این راستا گردآوری اطلاعات و تجزیه‌وتحلیل آن‌ها از طریق مطالعات کتابخانه‌ای منابعی مانند کتاب، نوشته‌ها، مصاحبه‌ها، گفت‌وگوها، مقالات مطبوعاتی و اسناد تاریخی صورت گرفته است (راگهو، ۱۳۹۵). به این‌ترتیب روش‌شناسی پژوهش، تطبیقی- کیفی است. هدف اصلی پژوهش درک وضعیتِ رفاه، خط‌مشی‌های مرتبط، در کشورهای یاد شده است. همچنین مبتنی بر داده‌های کمی شاخص رفاه مؤسسه لگاتوم پیامد این خط‌مشی‌ها نیز در قالب روندهای سال ۲۰۰۷ تا ۲۰۲۳ نیز بررسی می‌شود.

در این راستا در مرحله اول وضعیت حاکم بر خط‌مشی‌های مرتبط با حوزه‌های رفاهی در ۳ کشور مورد مطالعه، توصیف می‌شود. در مرحله دوم، اطلاعات به‌دست‌آمده در مرحله اول مورد بررسی و تفسیر قرار می‌گیرد. پس از آن در مرحله همجوارسازی، دسته‌بندی بر روی اطلاعات به‌دست‌آمده در مراحل قبل انجام می‌شود و اطلاعات در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند. در مرحله نهایی، نتایج حاصل از دسته‌بندی‌ها در قالب مفهوم، شرایط یا وضعیتِ رفاه در سه کشور، مقایسه شده و مورد بررسی قرار گرفت.

۴. یافته‌ها و تجزیه‌وتحلیل داده‌ها

۴-۱. یافته‌های تحقیق

یافته‌های پژوهش براساس الگوی «جرج برودی»[1] در مطالعات تطبیقی، تشریح شد.

۴-۱-۱. توصیف

❖ **ایران**

پس از این‌که مصدق قانون بازنشستگی را تصویب کرد، برای نخستین بار مقرراتی درباره بازنشستگی و میزان مستمری بازنشستگان وضع شد و از آن تاریخ به بعد این قانون بارها

1. George Z. L. Brady

بازنگری شد. سازمان بیمه اجتماعی در ۱۹۷۴ به سازمان تأمین اجتماعی تبدیل شد و در سال ۱۹۷۵ قانون تأمین اجتماعی، برای شفاف‌سازی سهم مشارکت کارکنان و کارفرمایان وضع شد. این قانون حدود ۱۸٪ جمعیت کشور، شامل ۱/۵ میلیون کارگر و ۴/۵ میلیون نیازمند را تا پایان ۱۹۷۵ تحت پوشش قرارداد (امیری،۱۳۹۴؛ به نقل از سازمان بهداشت جهانی،۲۰۰۳). در همین دوره، کشور در حوزه سلامت شاهد پیشرفت‌های مشابهی بود. نظام ملی سلامت، رسماً در ۱۹۷۶ با مدیریت وزارتخانه جدیدی که تلفیق سلامت با تأمین اجتماعی بود، شکل گرفت.

پس از انقلاب، در دولت بازرگان، بودجه حوزه اجتماعی به‌سرعت به یک‌سوم هزینه دولت افزایش یافت که بخشی از آن در پیِ خواسته‌های انقلاب بود. در همین دوره ساختار مجلس و ریاست جمهوری با حفظ جایگاه رهبری تشکیل شد و بسیاری از سازمان‌های فعال در حوزه سیاست اجتماعی تشکیل یا دارای اختیار شدند (امیری، ۱۳۹۴).

شایان ذکر است از گذشته تا حال، جمهوری اسلامی ایران برای افزایش سطح عمومی رفاه اقداماتی انجام داده است، اسناد و شواهد چه پیش و چه پس از انقلاب حاکی از این است که زیرساخت‌های عمده‌ای شکل گرفته‌اند ولی از نظر قلمرو سرزمینی و تا حدودی پراکندگی جمعیت هنوز مناطق زیادی در این کشور از شرایط مناسب رفاهی برخوردار نیستند.

همچنین با وجود این‌که در پیش از انقلاب نظام تأمین اجتماعی و بیمه‌های اجتماعی و سیاست‌هایی در همین زمینه شکل گرفتند و پس از انقلاب نیز قدم‌هایی در جهت وضع قوانین و مقررات نیز برداشته شد و درعینِ‌حال در برخی از زمینه‌ها، شاخص‌های عمده رفاه مورد توجه قرار گرفته‌اند و شاهد مثال این‌که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز ناظر بر همین موضوع است و در بسیاری از اصول آن ازجمله در اصول ۲۸ و ۲۹ تأکید زیادی بر رفاه و آسایش عمومی و تأکید بر بیمه همگانی تأمین اجتماعی، بهداشت عمومی جامعه و ... کرده است و به‌تبع آن در طرح‌ها و برنامه‌های متعدد نیز کم‌وبیش به افزایش رفاه عمومی و برنامه‌هایی مبنی بر توسعه کشور اهتمام شده است؛ اما به دلایل متعددی ازجمله عدم

آزادی‌های فردی، نبود حکمرانی مناسب، فقدان فضای مناسب کسب‌وکار، کاهش سرمایه‌گذاری و ... هنوز این کشور نتوانسته خود را با استانداردهای کشورهای پیشرفته و حتی برخی از کشورهای منطقه خاورمیانه هم‌تراز سازد (طاهری و حسین‌زاده، ۱۳۹۸).

در قوانین توسعه قبل و بعد انقلاب اسلامی، در بُعد توسعهٔ اجتماعی، تأکید بر شاخص‌های رفاه‌گرایانه توسعهٔ اجتماعی بوده است و شاخص انسان‌گرایانه توسعهٔ اجتماعی در هر دوره قبل و بعد از انقلاب اسلامی مورد کم‌توجهی زیادی قرار گرفته است به شکلی که به برخی از شاخص‌های انسان‌گرایانه توسعه (تکثر سیاسی و اجتماعی، برابری حقوق) هیچ توجهی نشده است (قوتی سنگ سفیدی و همکاران، ۱۳۹۹). همچنین برنامه‌های توسعهٔ اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (برنامه اول تا پنجم) در بُعد توسعهٔ اجتماعی، برنامه‌هایی رفاه‌گرایانه بوده و کم‌تر بر پایه حقوق‌مداری و مشارکت محوری تدوین یافته‌اند. در این برنامه‌ها، توسعهٔ اجتماعی همواره به‌مثابهٔ حرکت به‌سوی کیفیت بهتر زندگی تعبیر شده و مفهوم کیفیت زندگی، به دستیابی اعضای جامعه به امکانات رفاهی معمولی همچون آموزش، بهداشت و سلامت، اشتغال و رفع بیکاری، مسکن و تغذیه، حمل‌ونقل، بیمه‌های اجتماعی و مواردی از این دست تقلیل‌یافته است (عالی زاده،۱۳۹۴).

کشور ایران به‌رغم ظرفیت‌ها و توانایی‌هایی که در منابع طبیعی، منابع انرژی، منابع انسانی و منابع فیزیکی دارد به هر دلیلی هنوز نتوانسته از این ظرفیت‌ها به نحوه بهینه و مطلوب استفاده کند؛ بنابراین دریک رقابت جهانی و حتی در مقایسه با گذشته خود بر گرفتاری‌های آن افزوده خواهد شد و درنتیجه به‌جای پیشرفت دچار عقب‌ماندگی و از دست دادن ظرفیت‌ها و مزیت‌های نسبی بیشتر می‌شود؛ مگر این‌که مشکلات خود را در عرصه‌های یاد شده ازجمله کیفیت اقتصادی، محیط تجاری، حکمرانی و آزادی فردی و غیره بهبود بخشد. بی‌تردید رفع همه این مشکلات برای رسیدن به سطح قابل قبول نیازمند برنامه‌ریزی‌های جدید و بهبود روابط داخلی و بین‌المللی است. امروز جامعه ایران از بحران‌های جدی رنج می‌برد که رفع هریک از آن‌ها اقدامات همه‌جانبه و همگرای بین بخش خصوصی، جامعه مدنی و دولت را می‌طلبد (طاهری و حسین‌زاده، ۱۳۹۸).

همچنین براساس متن قانون اساسی کشور، مفاهیم و موارد قانونی مرتبط با حوزه رفاه، ارزش‌ها و مبانی بنیادین مرتبط از این قرار است:

اصل ۲ جمهوری اسلامی، نظامی است بر پایه ایمان به:

خدای یکتا و اختصاص حاکمیت و تشریع به او و لزوم تسلیم در برابر امر او وحی الهی و نقش بنیادی آن در بیان قوانین، معاد و نقش سازنده آن در سیر تکاملی انسان به‌سوی خدا، عدل خدا در خلقت و تشریع، امامت و رهبری مستمر و نقش اساسی آن در تداوم انقلاب اسلام، کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا که از راه:

اصل ۱۳؛ رسمیت اقلیت‌ها

اصل ۱۹؛ برابری قومی: مردم ایران از هر قوم که باشند از حقوق مساوی برخوردارند.

اصل ۲۰؛ یکسانی زن و مرد طبق اسلام

اصل ۲۱؛ حقوق زنان: دولت موظف است حقوق زن را با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید.

اصل ۲۹؛ برخورداری از تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، از کارافتادگی

اصل ۳۰؛ وسایل آموزش‌وپرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سرحد خودکفایی کشور به‌طور رایگان گسترش دهد.

اصل ۳۱؛ داشتن مسکن متناسب با نیاز، حق هر فرد و خانواده ایرانی است.

اصل ۴۳؛ برای تأمین استقلال اقتصادی جامعه و ریشه‌کنی فقر و محرومیت:

۱. تأمین نیازهای اساسی: مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، ...؛

۲. تأمین شرایط و امکانات کار برای همه برای رسیدن به اشتغال کامل.

❖ دانمارک

سیاست اجتماعی دانمارک معمولاً در چهارچوب دولت رفاه دانمارک مورد بحث قرار می‌گیرد که به‌طورکلی یکی از جامع‌ترین نظام‌های تأمین اجتماعی در جهان به حساب می‌آید. الگو دولت رفاه دانمارک نتیجه بیش از صدسال توسعه تاریخی است. درحالی‌که سنت‌های سیاست اجتماعی دانمارک به اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ برمی‌گردد، برخی از اصول

اصلی سیاست‌گذاری در طول زمان ثابت مانده‌اند.

دانمارک بخشی از خانواده دولت‌های رفاه نوردیک به شمار می‌آید ویژگی‌های اصلی الگوی رفاه دانمارکی، جهان‌شمولی در قالب طرح‌های جامع ملی است که شامل همه شهروندان بدون در نظر گرفتن درآمد می‌شود. تأکید بر انتقال درآمد و خدمات رفاهی؛ مزایای نسبتاً سخاوتمندانه در مقدار و مدت؛ اتکای قوی به تأمین مالی مالیاتی و سطوح بالای بازتوزیع.

بااین‌حال، در نظام عمومی دولت رفاه دانمارک، همان‌طور که واقعاً اجرا می‌شود، ترکیب پیچیده‌تری از برنامه‌های سیاسی اجتماعی خاص، تکامل‌یافته است. سه عامل، این توسعه پیچیده را توضیح می‌دهد؛ نخست، با وجود این‌که اصول اساسی تاریخچه طولانی دارند، از دهه ۱۹۶۰، دانمارک شاهد گسترش گسترده سیاست اجتماعی بوده است که آن را با توجه به سطوح مخارج اجتماعی، پذیرش برنامه، سخاوت و توزیع مجدد، متمایز کرده است. به‌ویژه در حوزه سیاست‌های خانواده و خدمات رفاهی، نظام رفاه دانمارکی به‌طور چشمگیری در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ گسترش یافت. دوم، این گسترش عمده دولت رفاه دانمارکی یک فرایند افزایشی بود تا اجرای یک طرح جامع نظام‌مند. ازاین‌رو، سیاست‌ها و برنامه‌های اجتماعی خاص اغلب از ایدئال حقوق اجتماعیِ مبتنی بر مالیات منحرف می‌شوند و شامل عناصر داوطلبانه یا بیمه، هزینه‌های مصرف‌کنندگان، یا درجاتی از هدف‌گذاری‌ها، محقق می‌شوند. ظاهراً، برنامه‌های سیاست اجتماعی جهانی به‌طور مستمر گروه(های) افراد تحت پوشش (معمولا براساس تابعیت و/یا اقامت) را تعریف و اصلاح می‌کردند. معیارهای دسترسی (به‌عنوان مثال، سن) و روش‌های مورد استفاده برای تعیین مزایای خاص (به‌عنوان مثال، تمایز بین ارائه‌دهندگان خانواده و غیر ارائه‌دهندگان). سومین عامل در پس ماهیت پیچیده نظام رفاه دانمارکی این است که آرمان‌ها و واقعیت همیشه با هم‌ترکیب نمی‌شوند. به‌طورکلی، سیاست‌های اجتماعی دانمارک در مقایسه بین‌المللی، از نظر امنیت اجتماعی و خدمات اجتماعی به‌خوبی عمل می‌کند. بااین‌حال، سیاست‌های اجتماعی دانمارکی کامل نبوده و نیستند. حاشیه‌نشینی، مشکلات هماهنگی، کمبود بودجه و منابع ستادی و نادیده گرفته شدن

مشکلات اجتماعی بخشی از ماجراست. به‌خصوص از دهه ۱۹۸۰، اثرات ترکیبی بازاری شدن، جهانی‌شدن و نگرانی‌ها برای پایداری مالی بلندمدت، دولت رفاه دانمارک، فشار بیشتری را بر ایدئال‌هایی که اغلب با الگو دانمارکی مرتبط هستند وارد کرده است. دولت رفاه دانمارک همیشه ترکیبی از معیارهای عمومی و خصوصی را شامل می‌شود؛ اما در دهه‌های اخیر «ترکیب عمومی–خصوصی» به سمت حمایت از بازیگران خصوصی و مسئولیت‌های فردی حرکت کرده است (پترسن و بیر، ۲۰۲۲).

همان‌طور که می‌دانیم در اروپا، گروه همکاری‌های نوردیک متشکل از سرزمین‌های پادشاهی سوئد، پادشاهی دانمارک، پادشاهی نروژ، جمهوری فنلاند و جمهوری ایسلند است (شیرخانی و چشمه علایی، ۱۳۸۹؛ به نقل از کتلز،۲۰۰۸). الگوی نوردیک تبدیل به یک نشان (برند) در سطح اقتصاد سیاسی بین‌الملل شده است. پذیرش الگو سوسیال‌دموکرات تأثیراتی بسیار فراتر از نتایج صرف اقتصادی ایجاد کرده است. بااین‌حال اگرچه اعمال اصول بازار آزاد، نوآوری و تجارت، دولت‌های رفاه را در میان جهان صنعتی شده با تراز بالای GDP کیفیت بالای استانداردهای زندگی رسانده است؛ اما ساخت ویژهٔ اجتماعی و ثبات سیاسی دولت‌ها را قادر می‌سازد تا این سطح از سرمایهٔ اقتصادی و اجتماعی را تجربه کنند. این ساخت اجتماعی و ثبات سیاسی نیز خود برایندی از زمینه‌های فکری–اجتماعی حوزهٔ نوردیک است. دولت‌های رفاه فراگیر نوردیک، دارای نظام رفاه اجتماعی، تأمین خدمات اجتماعی و همگانی و درعین‌حال نظام مالیات گیری سختگیرانه، سازوکارهای امنیت شهروندان و ... هستند. این سنت‌های منحصربه‌فرد فکری و زیست فرهنگی و اجتماعی موجود در حوزهٔ نوردیک ویژگی‌های اصلی تعیین‌کنندهٔ توسعهٔ الگوی نوردیک به شمار می‌آیند؛ سنت‌هایی که هریک بخشی جداناپذیر از الگوی توسعهٔ ترکیبی (هیبریدی) سوسیال‌دموکرات– سرمایه‌داری در حوزهٔ نوردیک را صورت‌بندی کرده‌اند (رحمتی،۱۴۰۰).

نظام دولت رفاه فراگیر نوردیک حاصل فرایندها، سنت‌ها و اسطوره‌های جوامع نوردیک است (رحمتی،۲۰۲۰) درعین‌حال به نظر می‌رسد که برخی از این اسطوره‌ها و سنت‌ها بیشتر مبتنی بر واقعیت هستند و نتایج سیاسی بهتری نسبت به بقیه دارند. این سنت‌ها عبارت‌اند از:

روح سرمایه‌داری، آرمانشهر سوسیالیسم و سنت آرمانی شدهٔ دهقانی آزاد و سنت حکمرانی.

سنت نخست برای همهٔ جوامع اروپای غربی مشترک بود، سنت دوم برای آن دسته از جوامع اروپایی بود که در آن جنبش کارگری دموکراتیک قوی بود. سنت سوم، اصلاح ایدئولوژیکی کارمزدی صنعتی برای سنت دهقانی مستقل بود که مختص کشورهای نوردیک بود (رحمتی،۱۴۰۰؛ به نقل از کووتن، ۱۹۹۹) و سنت چهارم به اصلاح روش‌ها و چشم‌اندازهای سیاسی منجر شد؛ به عبارت بهتر سنت دهقانی به ایجاد برابری در جوامع نوردیک منجر شده، سنت سرمایه‌داری بهره‌وری را ایجاد کرد و سنت سوسیالیستی، عامل ایجاد هم‌بستگی در کشورهای حوزهٔ نوردیک شد و سنت حکمرانی، چشم‌انداز حکمرانی را ایجاد کرد. نوع الگو سیاسی موجود در حوزهٔ نوردیک را می‌توان برایندی از این چهار سنت دانست (پِترسن و بیِر، ۲۰۲۲).

این سنت بعدها تبدیل به نقطه قوت دولت–ملت‌های کوچک، در ارتباط بین اقتصادهای ملی با اقتصاد بین‌الملل و موفقیت در کنترل نوسان‌های اقتصاد بین‌الملل شد. برخلاف ایدهٔ عمومی، کشورهای نوردیک از اقتصاد بازار آزاد، تجارت بین‌المللی و حقوق مالکیت تأثیر بسیاری پذیرفته‌اند. بسیاری از مقامات نوردیک به این ظرفیت الگوی اقتصادی نوردیک باور دارند. آن‌ها از این‌که کشورهایشان توانسته است درعینِ‌حال که استانداردهای دولت رفاه را داشته باشد، از سازوکار بازار آزاد نیز بهره‌مند باشد، خشنود هستند؛ به همین دلیل نخست‌وزیر سابق دانمارک، لارس لوکه راسموسن در جایی گفته بود که الگوی نوردیک یک دولت رفاه فراگیر است که سطح بالایی از امنیت شهروندان خود را فراهم می‌کند؛ اما درعینِ‌حال اقتصاد بازار موفقی است (رحمتی،۱۴۰۰).

بنابراین جوامع نوردیک به‌هیچ‌وجه سوسیالیستی با سنتی که مارکس و انگلس از آن سخن می‌گفتند، نیستند؛ یعنی یک فلسفهٔ سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است که در آن نظام اجتماعی و اقتصادی با مالکیت اجتماعی و اشتراکی ابزارهای تولید در بنگاه‌های اقتصادی تعریف می‌شود. جوامع نوردیک سرمایه‌داری کشورهای آنگلوساکسون را نیز تجربه نمی‌کنند. آن‌ها الگوی منحصربه‌فردی به‌نام الگوی نوردیک سوسیال دموکراسی و حمایت از مردم را تجربه

می‌کنند. این جوامع عموماً دولت‌های رفاه تلقی می‌شوند. نظام تأمین اجتماعی در این جوامع منحصربه‌فرد و مربوط به پیشینهٔ تاریخی این جوامع است. الگوی نوردیک ریشه در مصالحه و توافق بزرگ بین کارگران و کارفرمایان در دههٔ ۱۹۳۰ دارد. این پیوند همچنین دهقانان و احزاب کارگری را در برمی‌گرفت (پِترسن و بیِر، ۲۰۲۲).

سیاست‌گذاری‌های اجتماعی در دولت رفاه نوردیک با احتساب چشم‌انداز حکمرانی بلندمدت، تدوین شده است و نتیجهٔ مستقیم سیاست‌های دولت رفاه نوردیک درخصوص مصارف اجتماعی، همین چشم‌انداز حکمرانی و نگاه هزینه – فایده در حوزهٔ اجتماعی است؛ به‌عبارت شفاف‌تر، تمرکز بر روی مصارف اجتماعی، با روند سیاست‌گذاری بلندمدت دولت رفاه هم‌خوانی دارد. دولت رفاه با فراهم آوردن زمینه‌هایی که مشکلات خدمات اجتماعی، سلامتی و رفاه برای مردم ایجاد نشود، خود را با چالش‌ها و هزینه‌های مربوط به حل مشکلات پسینی در حوزه‌های اجتماعی، سلامتی و رفاهی شهروندان مواجه نمی‌کند و بدین‌ترتیب با صرف بیشینه هزینه‌های اجتماعی پیشینی (بخوانید سرمایه‌گذاری)، هزینه‌های اجتماعی پسینی (بخوانید دشواره‌ها) را به کم‌ترین میزان می‌رساند (رحمتی، ۱۴۰۰).

معمای نوردیک را با بُعد مهم غیرعینی و روانی آن؛ یعنی «چرخهٔ توزیع و بازتوزیع» بهتر می‌توان حل کرد. جوامع حوزهٔ نوردیک، جوامعی ثروتمند هستند و درعینِ‌حال با توزیع کاملاً برابر درآمدها توصیف شده‌اند. تفاوت کشورهای اسکاندیناوی با الگوهای سرمایه‌داری در این است که الگوهای سرمایه‌داری ارزش افزودهٔ اقتصادی را به‌عنوان ارزش تولیدی بیش از میزان مورد نیاز برای بقای طبقهٔ کارگر ایجاد می‌کنند و این ارزش‌افزوده به وسیلهٔ سرمایه‌داران به‌صورت ناخواسته مصرف می‌شود. نظام اقتصادی ارزش افزوده‌ای را ایجاد می‌کند که در پرتو این ارزش‌افزوده، ارزش تولید بیشتر از میزان لازم برای رضایت کارگران ایجاد می‌شود؛ اما در دولت رفاه نوردیک پندار کلی این است: تولید بیشتر، ارزش افزودهٔ بیشتر، بالاتر و مرفه‌تر. دولت رفاه می‌تواند منافع بیشتری نسبت به دولت‌های سرمایه‌داری نصیب شهروندان کند؛ به این دلیل که در برابر اقتصادهای سرمایه‌داری که بر ارزش‌افزوده تکیهٔ صرف می‌کنند، اقتصاد بهره‌ورانه‌تری دارد.

الگوی دولت رفاه نوردیک، مصرف‌گرایی موجود در نظام اقتصادی سرمایه‌داری را با رفاه بیشتر اجتماعی جایگزین می‌کند؛ به‌عبارتی نظام بازتوزیع فعال‌تری نسبت به اقتصادهای سرمایه‌داری در الگوی نوردیک وجود دارد. اگرچه سختگیری مالیاتی در الگوی نوردیک وجود دارد؛ اما به‌دلیل ورود مجدد آن به سامانهٔ اجتماعی، نارضایتی اجتماعی در الگوی مالیات‌گیری نوردیک وجود ندارد؛ به عبارتی وجه روانی اطمینان فرد نسبت به پوشش اجتماعی دولت رفاه، سبب می‌شود تا نسبت به پرداخت مالیات امروز برای رفاه فردا خشنود باشد (اسودسن،۲۰۱۲).

اعتماد تعمیم‌یافته یکی از پایه‌های شکل‌گیری دولت رفاه فراگیر حوزهٔ نوردیک است. اعتماد تعمیم‌یافته اجتماعی و درنتیجه به وجود آمدن سرمایهٔ اجتماعی سبب شده است تا دولت در جایگاه نهاد بازتوزیع‌کنندهٔ ثروت همگانی اعتماد عمومی به وجود آید و متعاقب آن دولت به‌مثابهٔ موجودیتی مستقل و یک نهاد فراتر از هر نهادی در پرتو این اعتماد عمومی شکل گیرد و خود دولت عاملی برای تقویت اعتماد عمومی شود. در چنین شرایطی، جامعه سطح بالایی از مالیات را پرداخت می‌کند؛ چون به نهادهای عمومی تأمین‌کنندهٔ امنیت اجتماعی خود اعتماد دارد (رحمتی،۱۴۰۰).

براساس متن قانون اساسی کشور دانمارک، مفاهیم و موارد قانونی مرتبط با حوزه رفاه، ارزش‌ها و مبانی بنیادین مرتبط از این قرار است:

شکل ایالتی

شکل حکومت باید به‌صورت سلطنت مشروطه باشد و قدرت سلطنتی مطابق با مفاد قانون ۲۷ مارس ۱۹۵۳، جانشینی تاج و تخت، به مردان و زنان به ارث می‌رسد.

قدرت‌های دولتی

قوه مقننه به‌طور مشترک در اختیار پادشاه و پارلمان است. قدرت اجرایی در اختیار پادشاه است. قوه قضائیه در اختیار محاکم دادگستری است.

بخش ۷۴؛ دسترسی و آزادی برابر به تجارت: هرگونه محدودیت دسترسی آزاد و برابر به تجارت که مبتنی بر آن نباشد با اساسنامه ثروت عمومی منسوخ خواهد شد.

بخش ۷۵؛ حق کار: اگر شخصی نتواند از خود یا افراد تحت تکفل خود حمایت کند، این حق وجود دارد که شخص دیگری مسئول نگهداری او باشد، مشروط بر این‌که به تعهدات خود عمل کند، می‌تواند از کمک‌های مردمی برخوردار شود. در این رابطه در اساسنامه موارد لازم وضع شده است.

بخش ۷۶؛ تحصیل اجباری: همه کودکان در سن مدرسه حق آموزش رایگان در مدارس ابتدایی را خواهند داشت

بخش ۷۷؛ آزادی بیان: به‌صورت مکتوب، هر شخصی حق دارد افکار خود را به‌صورت چاپی منتشر کند، مشروط بر این‌که در محاکم قضایی و در سخنرانی پاسخ‌گوی گفتار و نوشتار خود باشد. سانسور و سایر اقدامات پیشگیرانه نیز هرگز اعمال نخواهد شد (قانون اساسی دانمارک؛ مرکز پژوهش‌های مجلس).

❖ ترکیه

کشور ترکیه نیز بعد از فروپاشی بلوک شرق و تجدیدنظر در سیاست خارجی خود، یک سیاست فعال و واقع‌گرا را در پیش گرفت. این کشور در پیِ آن بود تا براساس شاخصه‌های نئورئالیسم مانند خودیاری، دولت‌محوری، عقلایی عمل کردن و اعتقاد به نظم آنارشیک در نظام بین‌الملل، خود را به رتبهٔ اول قدرت منطقه برساند؛ اما این هدف ترکیه مستلزم داشتن شرایط بسیاری است که ترکیه در بسیاری از آن‌ها در سطح بالایی قرار ندارد. کشوری که بخواهد دریک منطقه به قدرت مسلم تبدیل شود، علاوه بر قدرت نظامی باید از جنبه‌های دیگر ازجمله فرهنگی، اقتصادی، ایدئولوژی، جغرافیایی، جمعیتی و علمی نیز در سطح بالایی قرار داشته باشد؛ اما ترکیه به‌دلیل تعارض‌های ایدئولوژیک و فرهنگی که با منطقه دارد و با وجود نوعی از اسلام‌گریزی در دولت خود، حداقل در کوتاه‌مدت نمی‌تواند به‌عنوان قدرتمند مسلط در منطقه تبدیل شود (همدان چی،۱۳۹۸؛ به نقل از اوزدامار و همکاران،۲۰۱۴).

در ترکیه، دولت اردوغان ضمن حفظ اصول کلی سکولاریسم سنتی ترکیه و پیروی از اصول اقتصاد آزاد که در دهه ۱۹۸۰ پایه‌گذاری شد و با گرایش‌های مذهبی مردم، به صحنه اقتصادی و سیاسی جامعه نفوذ کرد، نظامی متفاوت با ایران را به وجود آورد که ترکیبی از

سکولاریسم، آزادی اقتصادی و حفظ رویکرد اسلامی است (شهرام نیا و همکاران، ۱۳۹۸؛ به نقل از خلج منفرد، ۱۳۹۵).

بنیان‌گذاران حزب عدالت و توسعه اعلام کردند که حزب جدید از دموکراسی، سکولاریسم، عدالت و رفاه اجتماعی حمایت می‌کند و قصد دارد ترکیه را کشوری ثروتمند بکند؛ اما ترکیه از سال ۲۰۱۴ به‌خصوص با اصلاح قانون اساسی و با دوره ریاست جمهوری اردوغان پا به اقتدارگرایی و تمرکز در عرصه اجرا گذاشت؛ اگرچه روندی که دولت در کارایی و توسعهٔ اقتصادی شروع کرده بود، متوقف نمی‌شود (شهرام نیا و همکاران، ۱۳۹۸).

این مسئله با رقابت ایدئولوژیک برای تبدیل شدن به رهبر منطقه با واژه‌هایی مانند رهبر جهان اسلام، نگهبان منطقه، ام‌القری و مانند آن همراه شده است؛ به‌عبارت‌دیگر رقابت جغرافیای سیاسی برای قدرت اول بودن، با رقابت ایدئولوژیک برای رهبر شدن همراه شده است؛ پس از انقلاب اسلامی، با اضافه شدن ویژگی‌های انقلابی و اسلامی به ایران، تلاش برای تأثیرگذاری و ارائهٔ الگو برای کشورهای خاورمیانه بیشتر شد و در سمت ترکیه نیز رهبران حزب عدالت و توسعه به بازتعریف اهداف و منافع و نقش این کشور در منطقه پرداختند؛ به‌طوری‌که بر وزنهٔ اسلامی بودن ترکیه افزوده شد (همدان چی،۱۳۹۸؛ به نقل از اوزدامار و همکاران، ۲۰۱۴).

از هنگامی که دولت برآمده از حزب عدالت و توسعه موفق شد آرام آرام از اواخر دههٔ ۲۰۱۰ میلادی پایه‌های اقتدار خود را با دور کردن تدریجی مخالفین داخلی از قدرت و تضعیف پایگاه‌ها و نهادهای حامی قدرت کمالیست‌ها در ترکیه (ازجمله ارتش و قوهٔ قضائیه) مستحکم کند و کانون‌های قدرت این کشور را به‌طور کامل در اختیار بگیرد، «دورهٔ اقتدارگرایی» این حزب درترکیه آغاز شد، دوره‌ای که با تغییرات جدی در سیاست‌های داخلی و خارجی این حزب همراه شد در شمال آفریقا و کشورهای خاورمیانه در سال ۲۰۱۱ «بیداری اسلامی» و با شکوفایی مصادف گردید. حوادثی که تحلیل گران و رسانه‌های ترکیه به تبعیت از رسانه‌های غربی از آن به «بهار عربی» یاد می‌کردند. در حقیقت حزب عدالت و توسعه و رهبری آن حرکت به سمت «اقتدارگرایی» را هم در درون حزب و هم در بیرون آن

آغاز کرده بود (خلج منفرد، ۱۳۹۵).

اولین کارکرد بر روی فعالان موجود در تأمین حوزه رفاه ترکیه تمرکز دارد. ابتدا، تأمین اجتماعیِ سازمان‌دهی شده توسط دولت مرکزی و مهم‌تر از همه مؤسسات بیمه اجتماعی، تشریح شده است. دومین کارکرد اجتماعی مهم، خانواده است. سوم، تأثیر سایر بازیگران مرتبط در تأمین رفاه، یعنی شهرداری‌ها، سازمان‌های غیردولتی و طرح‌های بیمه خصوصی است.

غلبه دولت و خانواده در تأمین اجتماعی چشمگیر است. بازار، جامعه مدنی و شهرداری‌ها هنوز نقشی جزئی دارند ویژگی تعیین‌کننده تأمین اجتماعی دولت ویژگی نابرابر آن است. به‌طوری‌که برخی از گروه‌ها تحت پوشش قوانین و نهادهای اجتماعی هستند، برخی دیگر مانند کسانی که در بازار غیررسمی‌کار می‌کنند محافظت نشده می‌مانند. حمایت اجتماعی در خارج نظامِ بیمه اجتماعی اساساً شامل مراقبت‌های پزشکی برای فقیرترین افراد است و مزایایی در قالب کمک‌های غیرنقدی. خانواده ترک اهمیت ویژه‌ای در حفاظت از اعضای فردی خود در برابر خطرات اجتماعی دارد. این نقشی است دولت به‌طور جزئی از آن حمایت می‌کند و مسئولیت‌های بسیار کمی را برای خدمات اجتماعی که به‌طور سنتی توسط خانواده ارائه می‌شود، بر عهده می‌گیرد (دنیل گروتجن، ۲۰۰۸).

مطابق با متن قانون اساسی کشور ترکیه، ماده‌ها و بندهای مرتبط با حوزه رفاه و نظایر آن تشریح می‌شود (محمودی و مسعودی نیا، ۲۰۱۱).

عدم حمایت از هیچ فعالیتی در مقابل منافع، موجودیت، تمامیت ارضی، ارزش‌های تاریخی و معنوی ملت ترک و ملی‌گرایی، اصول انقلابی و مدنیت خواهی آتاترک و عدم حمایت از هیچ فعالیتی در مقابل مبانی مقتضی قاعده لائیسم که ورود احساسات مقدس دینی در امور دولت و سیاست را نهی می‌کند؛

هر شهروند ترک براساس حقوق و آزادی‌های اساسی و برابری و عدالت اجتماعی موجود در چهارچوب این قانون اساسی، فرهنگ ملی، مدنیت و نظم حقوقی، حق ادامه حیات و موجودیت مادی و معنوی و صلاحیت دارا شدن حق از زمان تولد برخوردار خواهد بود.

بخش اول؛ ماده ۲: جمهوری ترکیه، در قالب آرامش جامعه، هم‌بستگی ملی و مفهوم عدالت، حرمت‌گذار به حقوق انسانی وابسته به ایدئولوژیِ ملی‌گرایی آتاتورک، متکی به اصول اساسی ذکر شده در مقدمه، دولتی دموکراتیک، لائیک و سوسیال است.

بخش اول؛ ماده ۱۰: هرکس بدون توجه به زبان، نژاد، رنگ، جنسیت، اندیشه سیاسی، اعتقاد فلسفی، دین و مذهب و مواردی از این قبیل در مقابل قانون برابرند ... هیچ فرد، خانواده، گروه و صنفی در مقابل قانون از امتیاز خاصی برخوردا نیست.

بخش دوم؛ ماده ۱۲: هرکس، بسته به شخصیتش، دارای حقوق و آزادی‌های غیرقابل تعرض، غیرقابل‌انتقال و غیرقابل اعراض هستند. حقوق و آزادی‌ها، شامل وظایف و مسئولیت‌های فرد در مقابل اجتماع، خانواده و دیگر افراد است.

بخش دوم؛ ماده ۱۸: هیچ‌کس را نمی‌توان اجبار به انجام کاری کرد. بیگاری ممنوع است.

بخش دوم؛ ماده ۱۹: هر فردی دارای آزادی شخصی و امنیت است.

بخش دوم؛ ماده ۲۰: حفظ حریم شخصی: هرکس از حق زندگی خصوصی و خانوادگی برخوردار است. زندگی خصوصی و حریم خصوصی زندگی هر شخص تعرض‌ناپذیر است.

بخش دوم؛ ماده ۲۴: آزادی دین و اعتقاد: هرکس از آزادی عقیده، اعتقاد دینی و ایمان برخوردار است. به شرط عدم مغایرت با احکام ماده ۱۴ عبادت، آیین دینی و مراسم‌ها آزاد است. بخش دوم؛ آزادی فکر و اندیشه، ماده ۲۵: هرکس دارای آزادی اندیشه و تفکر است. هیچ‌کس را به هر سبب یا هدف نمی‌توان مجبور به ابراز فکر و عقیده کرد. هیچ‌کس به خاطر داشتن فکر و اندیشه مورد سرزنش و اتهام قرار نمی‌گیرد.

بخش دوم؛ حق مالکیت، ماده ۳۵: هرکس دارای حق مالکیت و ارث است. این حقوق صرفا با هدف حفظ منافع عمومی محدود می‌شوند.

بخش دوم؛ حمایت از خانواده و حقوق کودک، ماده ۴۱: خانواده اساس و بنیان جامعه ترک و مبتنی بر برابری میان زوجین است. دولت برای آرامش و رفاه خانواده به‌خصوص حمایت از مادران و کودکان و پیش‌بینی و اجرای برنامه‌های آموزشی تدابیر لازمه را اتخاذ کرده و تشکیلاتی را ایجاد می‌کند.

بخش دوم؛ حق و تکلیف تحصیل و آموزش، ماده ۴۲: هیچ‌کس از آموزش و تحصیل محروم نمی‌شود. حیطه حق آموزش به‌موجب قانون تثبیت و وضع می‌شود. تحصیل و آموزش در راستای اصول آتاترک و انقلاب و منطبق با علوم و تعالیم روز تحت‌نظر دولت اجرا می‌شود. آزادی تحصیل و آموزش، دین صداقت به قانون اساسی را از بین نمی‌برد.

آموزش ابتدایی برای همه اتباع ترک دختر و پسر اجباری و در مدارس دولتی رایگان است. دولت برای ادامه تحصیل افراد مستعدِ فاقد توانایی مادی، بورس و سایر کمک‌های لازم را تدارک می‌بیند.

بخش دوم؛ شرایط کار و حق استراحت، ماده ۵۰: هیچ‌کس را نمی‌توان در کاری که متناسب با سن، جنس و توان وی نباشد، به‌کار گرفت. کودکان، زنان و معلولان از حمایت ویژه‌ای برخوردارند. استراحت حق کارگران است.

بخش دوم؛ ایجاد عدالت در دستمزد، ماده ۵: اجرت عوض کار است. دولت در مورد به دست آوردن دستمزد عادلانه در مقابل کار شاغلین و بهره‌مندی آنان از کمک‌های اجتماعی تدابیر اتخاذ کند.

بهداشت و حفظ محیط، ماده ۵۶: هرکس حق زندگی دریک محیط بهداشتی و ایدئال را دارد.

حق مسکن؛ ماده ۵۷: دولت با توجه به ویژگی شهرها و شرایط محیطی به رفع مشکل مسکن بپردازد.

حقوق امنیت اجتماعی، ماده ۶۰: هرکسی دارای حق امنیت اجتماعی است.

حقوق امنیت اجتماعی؛ حمایت ویژه از افراد با توجه به امنیت اجتماعی، ماده ۶۱: دولت از همسران و فرزندان شهدا، معلولان و جانبازان جنگ حمایت می‌کند و برای آن‌ها شرایط زندگی مناسب با منزلتشان فراهم می‌کند.

۴-۱-۲. تفسیر

در این مرحله مفاهیم و مضامین کلیدی هر سه کشور که مندرج در قانون اساسی، نتایج

شاخص رفاه لگاتوم و زیرشاخص‌های مربوطه و مطالب سایر پژوهشگران است، در یک جدول و در یک نگاه ترسیم شده است.

جدول ۱: تفسیر مفاهیم و مضامین کلیدی سه کشور ایران، ترکیه و دانمارک (نگارنده)

خاستگاه موضوعات مرتبط با رفاه	ایران	ترکیه	دانمارک
برترین زیرمعیارها در شاخص رفاه لگاتوم	شرایط زندگی (۷۶/۶ از ۱۰۰)	شرایط زندگی (۸۱/۱ از ۱۰۰)	شرایط زندگی (۹۴/۹ از ۱۰۰)
قانون اساسی	جمهوری اسلامی، نظامی است بر پایه ایمان به: خدای یکتا و اختصاص حاکمیت و تشریع به او و لزوم تسلیم در برابر امر او	بخش اول؛ ماده ۲: جمهوری ترکیه، در قالب آرامش جامعه، هم‌بستگی ملی و مفهوم عدالت، حرمت‌گذار به حقوق انسانی وابسته به ایدئولوژیِ ملی‌گرایی آتاتورک، متکی به اصول اساسی ذکر شده در مقدمه، دولتی دموکراتیک، لائیک و سوسیال است.	کلیسای انجیلی لوتری، کلیسای تأسیس شده دانمارک خواهد بود. این کلیسا باید توسط دولت حمایت شود.
	اصل ۱۳: رسمیت اقلیت‌ها ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی تنها اقلیت‌های دینی شناخته می‌شوند که در حدود قانون در انجام مراسم دینی خود آزادند و در احوال شخصیه و تعلیمات دینی بر طبق آیین خود عمل می‌کنند.	بخش اول؛ ماده ۱۰: هرکس بدون توجه به زبان، نژاد، رنگ، جنسیت، اندیشه سیاسی، اعتقاد فلسفی، دین و مذهب و مواردی از این قبیل در مقابل قانون برابرند ... هیچ فرد، خانواده، گروه و صنفی در مقابل قانون از امتیاز خاصی برخوردار نیست.	شکل حکومت باید به‌صورت سلطنت مشروطه باشد و قدرت سلطنتی مطابق با مفاد قانون ۲۷ مارس ۱۹۵۳، جانشینی تاج و تخت، به مردان و زنان به ارث می‌رسد.
	اصل ۲۰: یکسانی زن و مرد طبق اسلام همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی،	بخش دوم؛ حمایت از خانواده و حقوق کودک، ماده ۴۱: خانواده اساس و بنیان جامعه ترک و مبتنی به برابری میان زوجین است. دولت برای آرامش و رفاه خانواده به‌خصوص حمایت از مادران و کودکان و پیش‌بینی و	آزادی بیان؛ ۷۷: به‌صورت مکتوب، هر شخصی حق دارد افکار خود را به‌صورت چاپی منتشر کند، مشروط بر این‌که در محاکم قضایی و در سخنرانی پاسخ‌گوی

خاستگاه موضوعات مرتبط با رفاه	ایران	ترکیه	دانمارک
	اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند	اجرای برنامه‌های آموزشی تدابیر لازمه را اتخاذ کرده و تشکیلاتی را ایجاد می‌کند.	گفتار و نوشتار خود باشد. سانسور و سایر اقدامات پیشگیرانه نیز هرگز اعمال نخواهد شد.
	اصل ۴۳: تأمین نیازهای اساسی: مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش‌وپرورش و امکانات لازم برای تشکیل خانواده برای همه	حقوق امنیت اجتماعی؛ حمایت ویژه از افراد با توجه به امنیت اجتماعی، ماده ۶۱: دولت از همسران و فرزندان شهدا، معلولان و جانبازان جنگ حمایت می‌کند و برای آن‌ها شرایط زندگی مناسب با منزلتشان فراهم می‌نماید.	دسترسی و آزادی برابر به تجارت ۷۴: هرگونه محدودیت دسترسی آزاد و برابر به تجارت که مبتنی بر آن نباشد با اساسنامه ثروت عمومی منسوخ خواهد شد.
	اصل ۲۹: برخورداری از تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، از کارافتادگی، بی‌سرپرستی، در راه ماندگی، حوادث و سوانح و نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی به‌صورت بیمه و غیره، حقی است همگانی. دولت مکلف است طبق قوانین از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات. حمایت‌های مالی فوق را برای یک‌یک افراد کشور تأمین کند.	بخش دوم؛ شرایط کار و حق استراحت، ماده ۵۰: هیچ‌کس را نمی‌توان در کاری که متناسب با سن، جنس و توان وی نباشد، به‌کار گرفت. کودکان، زنان و معلولان بدنی و روحی از لحاظ شرایط کار از حمایت ویژه‌ای برخوردارند. استراحت حق کارگران است. بهداشت، محیط و مسکن؛ خدمات بهداشتی و حفظ محیط، ماده ۵۶: هرکس حق زندگی دریک محیط بهداشتی و ایدئال را دارد.	حق کار ۷۵: اگر شخصی نتواند از خود یا افراد تحت تکفل خود حمایت کند، این حق وجود دارد که شخص دیگری مسئول نگهداری او باشد، مشروط بر این‌که به تعهدات خود عمل کند، می‌تواند از کمک‌های مردمی برخوردار شود. در این رابطه در اساسنامه موارد لازم وضع شده است
	اصل ۳۰: دولت موظف است وسایل آموزش و	بخش دوم؛ حق و تکلیف تحصیل و آموزش، ماده ۴۲: هیچ‌کس از آموزش	بخش ۷۶: تحصیل اجباری؛ همه کودکان در سن

خاستگاه موضوعات مرتبط با رفاه	ایران	ترکیه	دانمارک
	پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سرحد خودکفایی کشور به‌طور رایگان گسترش دهد.	و تحصیل محروم نمی‌شود. حیطه حق آموزش به‌موجب قانون تثبیت و وضع می‌شود. تحصیل و آموزش در راستای اصول آتاترک و انقلاب و منطبق با علوم و تعالیم روز تحت نظر دولت اجرا می‌شود. ایجاد مراکز آموزشی مغایر با اصول مذکور ممکن نیست. آزادی تحصیل و آموزش، دین صداقت به قانون اساسی را از بین نمی‌برد.	مدرسه حق آموزش رایگان در مدارس ابتدایی را خواهند داشت.
سایر تحقیقات پژوهشگران	به دلایل متعددی ازجمله عدم آزادی‌های فردی، نبود حکمرانی مناسب، فقدان فضای مناسب کسب‌وکار، کاهش سرمایه‌گذاری و... هنوز این کشور نتوانسته خود را با استانداردهای کشورهای پیشرفته و حتی برخی از کشورهای منطقه خاورمیانه هم‌تراز سازد.	درترکیه، دولت اردوغان ضمن حفظ اصول کلی سکولاریسم سنتی ترکیه و پیروی از اصول اقتصاد آزاد که در دهه ۱۹۸۰ پایه‌گذاری شد و با گرایش‌های مذهبی مردم، به صحنه اقتصادی و سیاسی جامعه نفوذ کرد، نظامی متفاوت با ایران را به وجود آورد که ترکیبی از سکولاریسم، آزادی اقتصادی و حفظ رویکرد اسلامی است.	الگو رفاه دانمارکی، جهان‌شمولی در قالب طرح‌های جامع ملی است که شامل همه شهروندان بدون در نظر گرفتن درآمد می‌شود.
	در قوانین توسعه قبل و بعد انقلاب اسلامی، در بُعد توسعهٔ اجتماعی، تأکید بر شاخص‌های رفاه‌گرایانه توسعهٔ اجتماعی بوده است و شاخص انسان گرایانه توسعهٔ اجتماعی در هر دوره قبل و بعد از انقلاب اسلامی مورد کم‌توجهی	غلبه دولت و خانواده در تأمین اجتماعی چشمگیر است. بازار، جامعه مدنی و شهرداری‌ها هنوز نقشی جزئی دارند ویژگی تعیین‌کننده تأمین اجتماعی دولت ویژگی نابرابر آن است. به‌طوری‌که برخی از گروه‌ها تحت پوشش قوانین و نهادهای اجتماعی هستند، برخی دیگر مانند کسانی که در بازار غیررسمی‌کار می‌کنند محافظت نشده می‌مانند.	تأکید بر انتقال درآمد و خدمات رفاهی؛ مزایای نسبتاً سخاوتمندانه در مقدار و مدت؛ اتکای قوی به تأمین مالی مالیاتی و سطوح بالای بازتوزیع اعتماد تعمیم‌یافته یکی از پایه‌های شکل‌گیری دولت رفاه فراگیرحوزهٔ نوردیک است.

خاستگاه موضوعات مرتبط با رفاه	ایران	ترکیه	دانمارک
	زیادی قرار گرفته است به شکلی که به برخی از شاخص‌های انسان گرایانه توسعه (تکثر سیاسی و اجتماعی، برابری حقوق) هیچ توجهی نشده است.		
	نوعی ناهمگونی در تحقق اهداف بخش‌های گوناگون وجود دارد. به این معنا که مثلاً بخش‌های اقتصادی برنامه دستاوردهای ملموس‌تری در مقایسه با بخش‌های اجتماعی آن داشته‌اند و یا میزان موفقیت برنامه در زمینهٔ ایجاد ساختارها و زیربناهای توسعهٔ صنعتی بیش از زیربناهای لازم برای توسعه انسانی بوده است.	حمایت اجتماعی در خارج نظامِ بیمه اجتماعی اساساً شامل مراقبت‌های پزشکی برای فقیرترین افراد است و مزایایی در قالب کمک‌های غیرنقدی. خانواده ترک اهمیت ویژه‌ای در حفاظت از اعضای فردی خود در برابر خطرات اجتماعی دارد. این نقشی است دولت به‌طور جزئی از آن حمایت می‌کند و مسئولیت‌های بسیار کمی را برای خدمات اجتماعی که به‌طور سنتی توسط خانواده ارائه می‌شود، بر عهده می‌گیرد.	الگوی نوردیک تبدیل به یک نشان (برند) در سطح اقتصاد سیاسی بین‌الملل شده است. پذیرش الگو سوسیال‌دموکرات تأثیراتی بسیار فراتر از نتایج صرف اقتصادی ایجاد کرده است. بااین‌حال اگرچه اعمال اصول بازار آزاد، نوآوری و تجارت، دولت‌های رفاه را در میان جهان صنعتی شده با تراز بالای GDP کیفیت بالای استانداردهای زندگی رسانده است؛ اما ساخت ویژهٔ اجتماعی و ثبات سیاسی دولت‌ها را قادر می‌سازد تا این سطح از سرمایهٔ اقتصادی و اجتماعی را تجربه کنند. پذیرش الگو سوسیال دموکرات تأثیراتی بسیار فراتر از نتایج صرف اقتصادی ایجاد کرده است.

۴-۱-۳. همجوارسازی

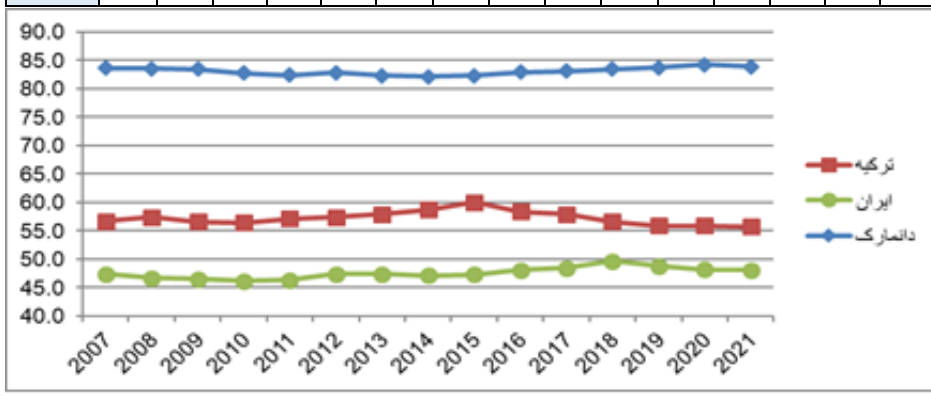
در این قسمت عدد رفاه کل سه کشور، براساس نتایج شاخص رفاه لگاتوم در طی سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۲۳ مقایسه شده است.

مشاهده می‌شود که در بین سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۲۳ شاخص رفاه در کشور ایران کم‌تر از عدد ۵۰ و از عدد ۴۷/۳ به ۴۸ ارتقای اندکی داشته و شرایط پایداری را تجربه کرده است.

این شرایط برای کشور ترکیه نیز بین اعداد ۵۰ تا ۶۰ بوده و این کشور نیز در بازه یاد شده نسبتاً پایدار بوده ولیکن برآیند کلی این کشور در بازه ۲۰۰۷ تا ۲۰۲۳ اندکی نزولی بوده و از عدد ۵۶/۷ به ۵۵/۷ کاهش‌یافته است. سرانجام درخصوص کشور دانمارک شاخص رفاه به‌طور کاملاً پایداری بین اعداد ۸۲/۱ تا ۸۴/۳ قرار گرفته و در این بازه افزایش بسیار اندکی داشته و از عدد ۸۳/۶ به ۸۳/۹ افزایش داشته است.

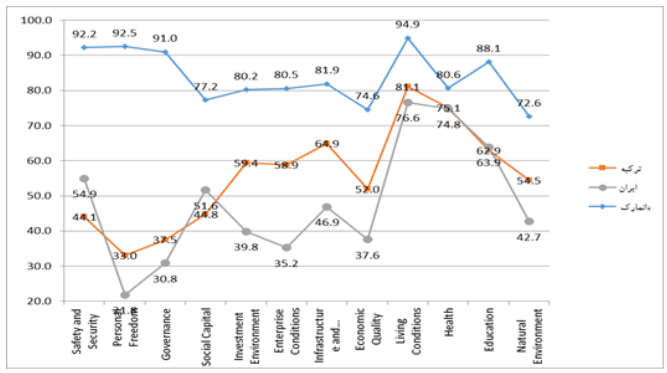
کشور	روند شاخص از ۲۰۰۷ تا ۲۰۲۳
ایران	افزایشِ اندک (۱/۴۸٪)
ترکیه	کاهشِ اندک (۱/۷۶٪)
دانمارک	افزایشِ اندک (۰/۳۶٪)

سال	۲۰۰۸	۲۰۰۹	۲۰۱۰	۲۰۱۱	۲۰۱۲	۲۰۱۳	۲۰۱۴	۲۰۱۵	۲۰۱۶	۲۰۱۷	۲۰۱۸	۲۰۱۹	۲۰۲۰	۲۰۲۱	۲۰۲۳
ایران	۴۷/۳	۴۶/۷	۴۶/۵	۴۶/۲	۴۶/۳	۴۷/۴	۴۷/۴	۴۷/۱	۴۷/۳	۴۸/۱	۴۸/۴	۴۹/۷	۴۸/۸	۴۸/۲	۴۸/۰
ترکیه	۵۶/۷	۵۷/۴	۵۶/۵	۵۶/۴	۵۷/۱	۵۷/۴	۵۷/۹	۵۸/۷	۶۰/۰	۵۸/۳	۵۷/۹	۵۶/۵	۵۵/۸	۵۵/۸	۵۵/۷
دانمارک	۸۳/۶	۸۳/۵	۸۳/۴	۸۲/۸	۸۲/۴	۸۲/۸	۸۲/۳	۸۲/۱	۸۲/۳	۸۲/۹	۸۳/۱	۸۳/۵	۸۳/۷	۸۴/۳	۸۳/۹



هر سه کشور به تفکیک ۱۲ زیرمعیار شاخص رفاه لگاتوم، در سال ۲۰۲۳ به شرح زیر بررسی شدند: ملاحظه می‌شود که براساس داده‌های زیر معیارها، بالاترین امتیاز هر کشور مربوط به سرفصل شرایط زندگی است که در بین هر سه کشور بهترین شاخص شناسایی شده است. همچنین بدترین شاخص کشور ایران، آزادی‌های شخصی (۲۱/۸)؛ بدترین شاخص کشور ترکیه نیز آزادی‌های فردی (۳۳) و نهایتاً بدترین شاخص کشور دانمارک سرمایهٔ اجتماعی (۷۷/۲) است.

معیار	نمره ۲۰۲۳ زیرشاخص رفاه لگاتوم		
	ایران	ترکیه	دانمارک
ایمنی و امنیت	۵۴/۹	۴۴/۱	۹۲/۲
آزادی شخصی	۲۱/۸	۳۳/۰	۹۲/۵
حاکمیت	۳۰/۸	۳۷/۵	۹۱/۰
سرمایهٔ اجتماعی	۵۱/۶	۴۴/۸	۷۷/۲
محیط سرمایه‌گذاری	۳۹/۸	۵۹/۴	۸۰/۲
شرایط سازمانی	۳۵/۲	۵۸/۹	۸۰/۵
زیرساخت و دسترسی به بازار	۴۶/۹	۶۴/۹	۸۱/۹
کیفیت اقتصادی	۳۷/۶	۵۲/۰	۷۴/۶
شرایط زندگی	۷۶/۶	۸۱/۱	۹۴/۹
سلامتی	۷۴/۸	۷۵/۱	۸۰/۶
تحصیلات	۶۳/۹	۶۲/۹	۸۸/۱
محیط طبیعی	۴۲/۷	۵۴/۵	۷۲/۶



۴-۱-۴. مقایسه

بهبود مؤلفه‌های حکمرانی خوب، منجر به ارتقای رفاه ملی می‌شود، در ضمن آنکه ارتقای حکمرانی خوب، زمینه ارتقای رفاه را از جهت‌های کمی نظیر تولید ناخالص داخلی، آموزش، پژوهش، بهداشت و ... از یک طرف و از جنبه‌های کیفی نظیر خوشبختی فراهم می‌کند؛ به عبارت دیگر ارتقای حکمرانی خوب پیامدهای دومنظوره‌ای نظیر بهبود شاخص‌های کمی همچون تولید ملی و تقویت شاخص‌های کیفی نظیر کاهش هزینه‌های اجتماعی، رشد اقتصادی، حفظ منابع برای آیندگان و تداوم رشد را به‌همراه دارد (دانایی‌فرد و همکاران، ۱۳۹۱).

«توماس وینود»[1] نویسنده کتاب «کیفیت رشد» می‌نویسد، حکمرانی از طریق مجرای پیچیده مستقیم و غیرمستقیم که هنوز کاملاً آن‌ها را نمی‌شناسیم بر رفاه و کیفیت زندگی تأثیر می‌گذارد. بهبود یکی از مؤلفه‌های حکمرانی از قبیل آزادی‌های مدنی حتی در شرایطی که سایر بررسی نقش حکمرانی بر رشد اقتصادی کشورهای توسعه‌یافته و درحالِ‌توسعه برگزیده عوامل اجتماعی و اقتصادی ثابت بمانند، به‌صورت مستقیم کیفیت زندگی مردم یک کشور را ارتقا می‌دهد. ازاین‌رو، حکمرانی را می‌توان یکی از نهاده‌های مستقیم برای بهبود زندگی مردم به شمار آورد؛ اما اثرات غیرمستقیم مهم دیگری نیز دخیل هستند؛ بنابراین، دولت کارآمد و سالم، از طریق سازوکارهای پیچیده مستقیم و غیرمستقیم، عاملی مهم برای اجرا و پایداری سیاست‌های سالم اقتصادی و نهادی، توسعه سرمایهٔ انسانی و ریشه‌کن کردن فقر است (مکرمی‌پور، ۱۳۹۸؛ به نقل از پورجوان، ۱۳۸۹).

در مقایسه حوزه رفاه در سه کشور کاملاً روشن است که اساس فرایند خط‌مشی‌گذاری در هر سه کشور مبتنی بر فرهنگ، سنت، آیین و مذهب حاکم بر هریک از کشورها، نتایج متفاوت و قابل تفسیری را به دنبال داشته است.

1. Vinod Thomas

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهاد

همان‌طور که در پیشینه بیان شد یکی از دلایل کاهش رفاه و گسترش فقر، گسترش اجرای سیاست‌های اقتصادیِ واگذاری امور به بخش خصوصی و کاهش نقش دولت‌ها است. افزایش رفاه جامعه و کاهش فقر، مستلزم توجه دولتمردان و تلاش مسئولانه آن‌ها در این راستا است. البته باید متذکر شد که افزایش سطح رفاه ملی هم از بعد کمی و هم بعد کیفی به‌عنوان یک دغدغه مدنظر قرار بگیرد و دولت‌ها حداکثر تلاش خود را انجام دهند که شرایط مناسب برای زندگی همه شهروندان را فراهم آورند.

ازآنجاکه احساس برخورداری از رفاه اجتماعی بسیار اهمیت دارد، باید در جست‌وجوی راه‌هایی بود که بتوان آن را افزایش داد که عدم توجه به رفاه اجتماعی باعث گسترش نارضایتی و درنتیجه شکاف بین مردم با یکدیگر، مردم و دولت و عوامل قدرت می‌شود؛ زیرا چنانچه خلاف این امر وقوع یابد و افراد به لحاظ اجتماعی و فضای عمومی در جامعه نگران شوند، به فردگرایی پناه برده و سعی خواهند کرد که برای آینده شخصی خود سرمایه‌گذاری کنند و در عمل درصدد امنیت شخصی خویش برآیند که نتیجه منطقی آن کاهش روحیه جمع‌گرایی خواهد بود. پس اگر چنین امری روی دهد اعتماد جامعه و در نهایت احساس بیگانگی افزایش می‌یابد

همان‌گونه که در ابتدای مقاله اشاره شد، تفاوت‌های موجودِ نظام خط‌مشی‌گذاری عمومی که در اسناد بالادستی این سه کشور، از قبیل قانون اساسی تبلوریافته است، به‌طور معناداری دربردارنده پیامدهای رفاهی مطلوب یا نامطلوب برای جوامع هدف خواهد بود.

کشور ایران علی‌رغم منابع زیادی که صرف توسعه و طرح‌ریزی برنامه‌های مختلف، همانند برنامه‌های پنج‌ساله توسعه، جهت برآوردن و ارتقای رفاه اجتماعی صرف کرده است؛ اما به علل متنوع ازجمله عدم ابتنای برخی از خط‌مشی‌ها بر مشکلات و مسائل کشور، عدم بهره‌برداری از سنت‌ها و فرهنگ بومی کارآمد جهت حل و شناسایی مسائل، شعارزدگی در سیاست‌گذاری و اتلاف منابع فراوان در سرفصل‌های غیراثربخش، متأسفانه موفق به ارتقای مؤثری درخصوص رفاه اجتماعی نشده است.

کشور ترکیه نیز با برخی از مسائل مشابه کشور ایران از قبیل شعارزدگی در نظام خط‌مشی‌گذاری و ... دست به گریبان است؛ ولیکن با بهره‌مندی از عواملی نظیر فرصت‌طلبی در سیاست خارجی، توفیقاتی را به دست آورده است ولیکن با شرایط مطلوب و پایداری اجتماعی و سیاسی فاصله معناداری داشته و گسل‌های بالقوه در این کشور نیز مستعد تحریک و آبستن حوادث پیش‌بینی نشده است.

در مقابل کشورهای ایران و ترکیه ولیکن کشور دانمارک با الگوی رفاهی مبتنی بر چهار سنت ریشه‌دار و تاریخیِ الگوی رفاهی نوردیک، عملاً توانسته است تا اعتماد تعمیم‌یافته بین دولت و ملت را به‌صورت پایداری ارتقا بخشیده و از رهگذر اندوخته مطلوب سرمایهٔ اجتماعی، امکان هرگونه توسعه و پیشرفتی را در این بستر امن، مهیا کرده است.

براساس مقایسه زیر معیارهای شاخص رفاه لگاتوم، نقاط قوت و ضعف کشورهای هدف در حوزه‌های مختلف شناسایی شده و روند سیر آن‌ها مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت؛ بنابراین بدیهی است که طرح‌ریزی و اجرای نظام خط‌مشی‌گذاری چابک، امکان شناسایی به‌هنگام تغییرات و واکنش به‌موقع به آن‌ها را در راستای تحقق اهداف توسعهٔ پایدار فراهم خواهد کرد.

در این راستا و به‌منظور افزایش سهم مشارکت‌های عمومی، علی‌الخصوص مشارکت پژوهشگران حوزه خط‌مشی‌گذاری و توسعه در شکل‌دِهی و آسیب‌شناسی وضعیت موجود و ارائه نقشه راهی جهت پیمودن مسیر ناهموار توسعه و ارتقای رفاه اجتماعی، بیش از پیش حائز اهمیت‌یافته است.

بدیهی است که از ظرفیت بالای کمی، در حوزه آموزش عالی می‌توان براساس سامان‌دهی هدفمند و ایجاد شبکه‌های دانشی و نوآور به بازنگری و یا ایجاد خط‌مشی‌های عمومی کارآمد در حوزه رفاه اجتماعی امیدوار بود. چنانچه هم‌اکنون نیز علی‌رغم کاستی‌های موجود، طیف گسترده‌ای از تحقیقات و پژوهش‌های حوزه حکمرانی و توسعه نیز با تمرکز بر موضوعاتی همانند آسیب‌شناسی برنامه‌های توسعه و یا طراحی و توسعه انواعِ الگوهای خط‌مشی‌گذاری و ... به‌درستی به دنبال شناسایی مسائل و ارائه راه‌حل‌های مناسب و متناسب برای آن‌ها است.

پیشنهاد می‌شود، در پژوهش‌های آتی جهت تمرکز بیشتر در معیارهای رفاه لگاتوم، هریک از این معیارها به‌صورت جداگانه واکاوی شده و برای هر معیار متغیرهای مداخله‌گر شناسایی شده و تأثیر آن بر شاخص‌ها رفاه لگاتوم مورد بررسی قرار گیرد.

فهرست منابع

امیری، جعفرتاش (۱۳۹۴). ***گونه‌شناسی نظام رفاهی جمهوری اسلامی ایران***، براساس الگوی سه دولت رفاه گوستا اندرسون. سیاست‌نامه علم و فناوری. دوره ۵، شماره ۱.

بدیعی ازنداهی، مرجان واثق، محمود؛ ملک محمدی، حمیدرضا؛ عالم، ریحانه (۱۳۹۸). ***حکمرانی در قرن ۲۱ و چالش‌های پیش‌روی آن***. فصلنامه آمایش سیاسی فضا. دوره ۱، شماره ۳.

پورعزت، علی‌اصغر؛ ماه بانوئی، بهاره؛ قاسمی، روح الله؛ رفیعی، سیاوش (۱۴۰۰). ***نظام ارزشیابی عملکرد دوره‌ای (ساعد) حکمرانی***. تهران. انتشارات دانشگاه تهران.

خلج منفرد، ابوالحسن (۱۳۹۵). ***اقتدارگرایی اردوغان و حزب عدالت و توسعه و پیامدهای آن در ترکیه***. جستارهای سیاسی معاصر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. سال ۷، شماره ۴.

دانایی‌فرد، حسن؛ باباشاهی، جبار؛ آذر، عادل؛ کردنائیج، اسدالله (۱۳۹۱). ***تحول در رفاه ملی: آیا حکمرانی خوب نقش مهمی ایفا می‌کند؟*** پژوهش‌های مدیریت در ایران. سال ۴، شماره ۱۶.

دانایی‌فرد، حسن؛ صادقی، محمدرضا؛ مصطفی‌زاده، معصومه (۱۳۹۶). ***فهم سیاست‌زدگی بوروکراسی: مطالعه تطبیقی کیفیت، فرایندها و پیامدهای آن در مدیریت دولتی***. فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست. سال ۶، شماره ۲۲.

راگهو، نات (۱۳۹۵). ***مدیریت تطبیقی***. ترجمه: منوریان، عباس. تهران. انتشارت مهربان نشر.

رحمتی، رضا (۱۴۰۰). ***صورت‌بندی اصول بنیادین توسعه در الگوی نوردیک***. مطالعات اقتصاد سیاسی بین‌الملل. دوره چهارم، شماره ۱.

شیرخانی، محمدعلی؛ چشمه علایی، مهرداد (۱۳۹۰). ***الگوی نوردیک و دولت‌های رفاهی اروپا***. فصلنامه سیاست. دوره ۴۱، شماره ۴.

طاهری، سعید؛ حسین زاده، مریم (۱۳۹۸). ***تحلیل وضعیت رفاه در ایران براساس شاخص‌های استاندارد جهانی***. مجله بررسی‌های آمار رسمی ایران. سال ۳۰، شماره ۱.

عالی‌زاد، اسماعیل (۱۳۹۴). ***بازتاب توسعهٔ اجتماعی در برنامه‌های توسعه جمهوری اسلامی ایران***. (برنامه اول تا پنجم). فصلنامه علوم اجتماعی. سال ۲۵، شماره ۷۰.

عرشی، ملیحه؛ اقلیما، مصطفی (۱۳۹۳). ***ارائه و تدوین شاخص‌های رفاه خانواده به‌منظور دستیابی***

به الگوی رفاه خانواده در ایران. دومین جشنواره ملی خانواده پژوهی.

فقانی، مهدی؛ مهدی زاده اشرفی، علی؛ مجیبی، تورج؛ میدری، احمد؛ ایمان خان، نیلوفر (۱۳۹۹). ***مسئله شناسی و راهبردهای اجرای خط‌مشی‌های رفاه اجتماعی با استفاده از نظریه داده‌بنیاد***. فصلنامه مدیریت کسب‌وکار. شماره ۴۸.

قوتی سفیدسنگی، علی؛ حسینی، سیدجواد؛ نوغانی دخت بهمنی، محسن (۱۳۹۹). ***مقایسه توسعهٔ اجتماعی در برنامه‌های پنج‌گانه عمرانی و توسعه در قبل و بعد از انقلاب اسلامی ایران***. رفاه اجتماعی، شماره ۷۹.

مکرمی‌پور، محمدباقر؛ جوادی ارجمند، محمدجعفر؛ نقدی نژاد، اطهره (۱۳۹۸). ***حکمرانی و توسعهٔ اقتصادی در ایران***. پژوهش‌های راهبردی انقلاب اسلامی. سال ۲، شماره ۶.

References

Dr. Thereza R.S. de Aguiar a, Dr. Fatima de Souza Freire. (2017). *Shifts in modes of governance and sustainable development in the Brazilian oil sector*, European Management Journal,1-10.

Klaus Petersen, Cecilie Bjerre. (2022). *Social Policy in Denmark*.oxfordbibliographies.https://www.oxfordbibliographies.com/display/document/obo-9780195389678/obo-9780195389678-0314.xml

Legatume Prosperity Index (2023). *An enquiry into global wealth and well-being*. www.prosperity.com.

Rasoolimanesh. S. Mostafa, Badarulzanan. Nurwati, Abdullah. Aldrin, Behrang, Mohsen. (2019). *How Governance Influences the Components of Sustainable Urban Development?* Journal of Cleaner Production. Pre-proofs,1-32.